

توندررا

هر روز فکر می‌کنم
با تعادلم
کُل دنیا را به هم بزَنم!
و از این جا به حیرانی ی خود
نزدیک تر می شوم....

رشد گیاهی ام
متوقف شده است
وجلبک‌های تازه ای در ذهنم
اجازه اقامت گرفته‌اند.

هیچ منظره ی تازه ای نمی بینم
اما هر روز
چشم‌هایم را لایروبی می‌کنم.
حفاری می‌کنم
شیار می‌کشم خودم را و
می‌دانم:
چاه من
نفت خیز نیست!

یادم نرفته اما:
پاید جوانه می‌زد
گل می‌دادم....

این جا زیست گاه پرنده‌های مُرده است
اعتراف می‌کنم:
من در جشن هیچ خرگوشی
هویدی نخوردم
تنها جغرافیای عظیمی را تجربه می‌کنم....

بهاره رضایی

مناطق جغرافیایی ی اطراف من:

توندررا

تایگا

استپ

«مناطق جغرافیایی اطراف من»؛ شعر سه
قسمتی است که در شماره گذشته ی نوشتا دو
بخش از آن، تایگا و استپ را خوانده‌اید، در
این شماره با توندررا کامل می‌شود.
«نوشتا»